

رامین پرتو

روپارویی میان ایالات متحده و کانادا در دوران بازگشت دونالد ترامپ به قدرت، دیگر صر فادر چار چوب اختلافات تجاری و تعرفه‌ای قابل تحلیل نیست و آنچه در هفته‌ها و ماه‌های اخیر میان واشنگتن و اتاوا جریان دارد، نشانه‌هایی آشکار از ورود این تنش به سطوح سیاسی، حاکمیتی و حتی امنیت ملی دارد؛ روندی که با افشای دیدارهای محرمانه مقام‌های آمریکایی با گروه‌های جدایی طلب استان نفت خیز آلبرتا، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. در همین چار چوب، واکنش صریح مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا، به گزارش‌های منتشر شده درباره تماس وزارت خارجه آمریکا با پروژه شکوفایی آلبرتا (تا APP)، نشان داد که دولت کانادا این تحركات را نه یک مسئله حاشیه‌ای، بلکه تهدیدی مستقیم علیه حاکمیت ملی خود تلقی می کند. کارنی تأکید کرد که انتظار دارد واشنگتن به تمامیت ارضی کانادا احترام بگذارد و تصریح کرد که موضوع جدایی طلبی آلبرتا هرگز در گفت و گوهای مستقیم او با دونالد ترامپ مطرح نشده است. اما همزمان، اظهارات برخی مقام‌های آمریکایی، از جمله وزیر خزانه‌داری ایالات متحده که به صراحت از «آمدن آلبرتا به آمریکا» سخن گفته، نشان می‌دهد که این تماس‌ها نه اتفاقی و نه بی‌ارتباط با راهبرد کلان دولت ترامپ در قبال کانادا بوده است!

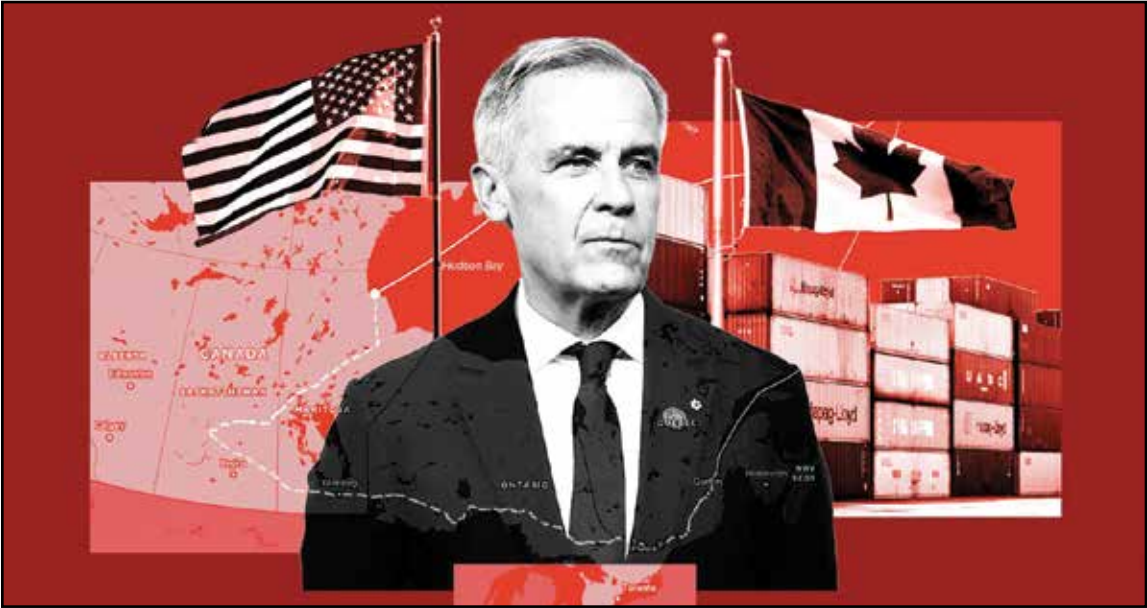
آلبرتا: نقطه اتصال انرژی، سیاست و فشار حاکمیتی

استان آلبرتا، به عنوان قلب انرژی کانادا، نقش کلیدی در معادلات اقتصادی و ژئوپلیتیکی این کشور ایفا می کند. این استان محصور در خشکی، با ذخایر عظیم نفت و گاز، سال هاست که از سیاست‌های دولت فدرال در اتاوا، به‌ویژه در حوزه محیط زیست، خطوط لوله و صادرات انرژی، ناراضی است. همین نارضایتی‌ها زمینه اجتماعی لازم را برای رشد جریان‌های جدایی طلب فراهم کرده است؛ جریانی که اگر چه هنوز اکثریت جامعه آلبرتا را نمایندگی نمی کند، اما طبق نظر سنجی‌ها، حدود ۳۰ درصد ساکنان این استان را با خود همراه کرده است.

در چنین فضایی، گزارش فایننشال تایمز مبنی بر برگزاری سه نشست میان مقام‌های وزارت خارجه آمریکا و گروه APP، زنگ خطر را برای اتاوا به صدا در آورد. این گروه نه تنها خواهان برگزاری همه پرسی استقلال آلبرتا است، بلکه به دنبال دریافت یک خط اعتباری ۵۰۰ میلیارد دلاری از آمریکا برای

دیدار مقامات آمریکا با جدایی طلبان آلبرتا، بحران جدید رقم زد؛

از تعرفه تا تجزیه؛ سایه ترامپ بر امنیت ملی کانادا



و سیاسی، اتاوا را تحت فشار قرار دهد؛ اهرمی که هزینه‌های آن برای کانادا به مراتب سنگین تر از تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم است.

ترامپ علیه کانادا: از جنگ تعرفه‌ای تا باز آرای بی ژئوپلیتیکی

برای درک رفتار دولت ترامپ در قبال کانادا، باید آن را در چار چوب نگاه کلی ترامپ به نظم اقتصادی و سیاسی بین المللی تحلیل کرد. ترامپ بارها نشان داده که به تجارت آزاد مبتنی بر قواعد چندجانبه اعتقادی ندارد و روابط اقتصادی را ابزاری برای اعمال فشار سیاسی می داند. کانادا، با وابستگی شدید اقتصادی به بازار آمریکا (به گونه‌ای که بیش از ۷۵ درصد صادراتش راهی ایالات متحده می شود) یکی از آسیب پذیرترین شرکای تجاری واشنگتن در این معادله است.

اظهارات تیف مکلم، رئیس بانک مرکزی کانادا، مبنی بر پایان دوران تجارت آزاد مبتنی بر قواعد با آمریکا، نشان می‌دهد که نهادهای اقتصادی کانادا نیز به این جمع بندی رسیده اند که دوران «عادی سازی» روابط با واشنگتن به سر آمده است. تعرفه‌های ترامپ بر خودرو، فولاد، آلومینیوم و چوب، نه تنها به صنایع کانادایی ضربه زده، بلکه پیش بینی پذیری اقتصاد این کشور را نیز به شدت کاهش داده است.

در این میمان، توافق نامه تجارت آزاد آمریکا، مرکز و کانادا (USMCA)، به نقطه‌ای حساس

رسیده است. اگر چه هنوز بیش از ۸۵ درصد تجارت دوجانبه بدون تعرفه انجام می شود، اما بازنگری قریب الوقوع این توافق، یک ریسک بزرگ برای اقتصاد کانادا محسوب می شود. دولت ترامپ صراحتاً اعلام کرده که یا به دنبال تغییرات اساسی در این توافق است یا حتی احتمال لغو کامل آنرا منتفی نمی داند.

از منظر ترامپ، کانادا باید با قواعد جدید بازی آمریکا کنار بیاید یا هزینه‌های سنگینی بپردازد؛ هزینه‌هایی که می تواند شامل فشار اقتصادی، تهدید حاکمیتی و حتی بی ثبات سازی سیاسی باشد. در این چار چوب، تماس با جدایی طلبان آلبرتا اظهارات تحقیرآمیز درباره «ایالت پنجاه و یکم» و تهدید به اعمال تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی، همگی اجزای یک سناریوی فشار چندلایه علیه اتاوا هستند.

صادرات ۹۸ درصدی انرژی کانادایه آمریکا، به گفته وزیر انرژی، این کشور، یک «اشتباه استراتژیک» بوده و اکنون اتاوا به دنبال تنوع بخشی به بازارهای خود است و حالا هند، با رشد سریع تقاضای انرژی، می تواند مقصدی جذاب برای نفت، گاز طبیعی مایع و اورانیوم کانادا باشد

خبر

نگرانی دیبرکل سازمان ملل از افزایش خشونت هادر سودان جنوبی



دیبرکل سازمان ملل متحد در بیانیه‌ای اعلام کرد که عمیقاً نگران تأثیر تشدید خشونت‌ها در سودان جنوبی است و افزود که این شرایط به غیرنظامیان که در حال حاضر در وضعیت آسیب پذیری قرار دارند، صدمه بیشتری خواهد زد. برنوار غزه و انتقال آن به یک نمونه مشابه حزب الله با مخالفت با خلع سلاح خود و بازگشت به جنگ، همچنین در این گزارش به نگرانی اسرائیل از مجبور شدن به قبول قطر و ترکیه به عنوان حامی مالی اصلی بازسازی اشاره و نسبت به حضور نظامی ترکیه در نزدیکی مرزها هشدار داده شده است.

قصد از توافق جدید با دولت موقت سوریه خبر داد

از سه تپ از نیروهای دموکراتیک سوری، و همچنین تشکیل یک تپ از نیروهای کوبانی درون یک تپ وابسته به استان حلب، است. همچنین این توافق، ادغام نهادهای اداره خودمختار درون نهادهای دولت سوریه همراه با تثبیت کارمندان غیر نظامی، توافق بر سر تسویه حقوق مدنی و آموزشی مردم کرد و تضمین بازگشت آوارگان به مناطق خود را در برمی گیرد. بر اساس این بیانیه، توافق یاد شده با هدف حفظ وحدت سرزمینی سوریه

و دستیابی به فرآیند ادغام کامل در منطقه از طریق تقویت همکاری بین طرف‌های ذینفع و هم افزایی تلاش‌ها برای بازسازی کشور صورت گرفته است. پیشتر دولت موقت سوریه و قصد در ۱۸ ژانویه ۲۰۲۶ (۲۸ دی ماه ۱۴۰۴) توافق را امضا کردند که براساس آن، آتش بس، برقرار و عناصر و نهادهای قصد در دولت سوریه ادغام می شدند.



شده و بر فرآیند تدریجی ادغام نظامی و اداری بین دو طرف تفاهم حاصل شده است. قصد در این بیانیه رسانه‌ای افزود که توافق شامل خروج نیروهای نظامی از نقاط تماس، ورود نیروهای امنیتی وابسته به وزارت کشور (دولت موقت) سوریه به مرکز شهرهای الحسکه و قامشلی و آغاز فرآیند ادغام نیروهای امنیتی در منطقه، تشکیل یک تپ نظامی متشکل

گروه شبه نظامی موسوم به «نیروهای دموکراتیک سوریه» (قصد) از یک توافق جامع آتش بس با دولت موقت سوریه و تشکیل تپ‌های مشترک و ادغام نهادهای خود در ساختار دولتی خبر داد. مرکز رسانه‌ای قصد اعلام کرد که این توافق بر پایه توقف درگیری‌ها بین دولت [موقت] و نیروهای دموکراتیک سوریه در چار چوب یک پیمان جامع حاصل

چین، هند و خشم ترامپ:

چرا تنوع گرایی کانادا تهدید است؟

یکی از محورهای اصلی خشم و نگرانی ترامپ، تلاش کانادا بر بریتانیایر برای گسترش روابط اقتصادی با چین است. از نگاه ترامپ، هر گونه نزدیکی متحدها سسنتی آمریکا به یکن، تضعیف مستقیم راهبرد مهار چین محسوب می شود. اظهارات او درباره «خطر ناک بودن» تجارت کانادا با چین و تهدید به اعمال تعرفه‌های سنگین، باز تاب همین نگرانی راهبردی است.

چین پس از آمریکا دومین شریک تجاری کانادا است و اتاوا، به‌ویژه در شرایط فشار فزاینده واشنگتن، ناگزیر به حفظ و حتی تقویت این رابطه خواهد بود. سفر مارک کارنی به چین و تأکید او بر تشکیل ائتلاف‌های جدید با کشورهای همفکر، نشان دهنده تلاش کانادا برای کاهش وابستگی یک جانبه به آمریکا و تطبیق با «واقعیت جدید» نظم جهانی است. واقعیتی که خود کارنی در داووس از آن سخن گفته است.

در کنار چین، چرخش کانادا به سوی هند در حوزه انرژی نیز برای ترامپ نگران کننده است. صادرات ۹۸ درصدی انرژی کانادا به آمریکا، به گفته وزیر انرژی این کشور، یک «اشتباه استراتژیک» بوده و اکنون اتاوا به دنبال تنوع بخشی به بازارهای خود است. هند، با رشد سریع تقاضای انرژی، می تواند مقصدی جذاب برای نفت، گاز طبیعی مایع و اورانیوم کانادا باشد.

اما این نزدیکی، در زمانی رخ می دهد که ترامپ هند را نیز به دلیل خرید نفت روسیه تحت فشار تعرفه‌ای قرار داده است. از نگاه ترامپ، همکاری کانادا و هند در حوزه انرژی، می تواند بخشی از یک بلوک بندی جدید اقتصادی باشد که نفوذ و اهرم فشار آمریکا را تضعیف می کند.

در مجموع، خشم ترامپ از کانادانه صرفاً ناشی از اختلافات تجاری، بلکه حاصل نگرانی عمیق تر از اواز تغییر رفتار یک متحد سنتی است؛ متحدی که دیگر حاضر نیست تمام تخم مرغ‌های اقتصادی و سیاسی خود را در سید واشنگتن بگذارد.

فرجام سخن

آنچه امروز میان آمریکا و کانادا جریان دارد، نشانه‌ای از یک گذار پر تنش در روابط دو کشور است؛ گذاری از شراکت باثبات به رقابت پرریسک. تماس با جدایی طلبان آلبرتا، جنگ تعرفه‌ای، تهدید توافق‌های تجاری و خشم و نزدیکی اتاوا به چین و هند، همگی اجزای راهبرد فشار حداکثری ترامپ علیه کانادا هستند. در مقابل، کانادا نیز با درک این واقعیت که «بازگشت به قبل از ترامپ» ممکن نیست، به دنبال تنوع بخشی به شرکای خود و بازتعریف جایگاهش در نظم اقتصادی جهانی است که می تواند آینده روابط دو کشور را به‌طور بنیادین تغییر دهد.

جهان نما

وال استریت ژورنال مطرح کرد:

سه سناریوی محتمل

برای جنگ اوکراین در ۲۰۲۶

روزنامه آمریکایی «وال استریت ژورنال» با این مقدمه که «احتمال جنگ بیشتر است، اما افزایش تنش‌ها در سال جاری می تواند دست کی‌یف یا مسکو را تضعیف کند»، در مطلبی به گزین‌های پیش رو پرداخته و می نویسد: «دیدگاه ایالات متحده برای پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین ساده است؛ اوکراین سرزمینی را که بیش از یک دهه سنگ بنای دفاع آن در برابر روسیه بوده است، و گذار می کند، در عوض، به کی‌یف قول یک سپر نظامی غربی داده می شود که برای مسکو منفرود است. و سپس همه پول در می آورند». به گفته مقامات آمریکایی مطلع مذاکرات با میانجیگری آمریکابین روس‌ها و اوکراینی‌ها در ابوظبی در روزهای جمعه و شنبه، خوش بینانه، مثبت و سازنده بود. مقامات آمریکایی گفتند که دو هیئت آنقدر احترام متقابل، ادب و هماهنگی خوبی نشان دادند که در مقطعی تقریباً مانند دوست به نظر می رسیدند. قرار است این روز یکشنبه در ابوظبی روابط دوستانه تری برقرار شود. در همین حال، روسیه از اهداف جنگی خود که به انقیاد اوکراین و عقب نشینی غر باز اروپای شرقی منجر می شود، دست نکشیده است.

این رسانه آمریکایی در ادامه سه سناریوی محتمل برای سال ۲۰۲۶ را ارائه می کند.

تداوم جنگ، تداوم مذاکره

محتمل ترین سناریو، پنجمین سال جنگ فرسایشی طاقت فرسا است، در حالی که مذاکرات در چرخه‌ای ادامه می یابد. دولت ترامپ شرط می بندد که وسواس دیرینه پوتین برای کنترل اوکراین فقط یک سست عمومی است و اگر اوکراین بقیه منطقه دونباس شرقی خود را به او بدهد، رهبر روسیه صلح خواهد کرد. شهرهای به شدت مستحکمی که اوکراین هنوز در آنجا در اختیار دارد، سخت ترین مانع برای نفوذ روسیه به زمین های کشاورزی وسیع مرکز این کشور هستند.

اندری زاگورودنیکو، وزیر دفاع سابق اوکراین می گوید، «در میان مردم اوکراین تردید زیادی» در مورد مذاکرات به رهبری ایالات متحده وجود دارد. به این دلیل نیست که اوکراینی هانی خواهند جنگ پایان یابد، بلکه به این دلیل است که هر تحول نظامی، صنعتی و سیاسی در روسیه نشان می دهد که جنگ می خواهد ادامه یابد. نشربه آمریکاایی می نویسد: «از این منظر، ایده دادن دونباس به روس ها به این معنی است که آنها این سرزمین را به صورت رایگان به دست می آورند، که در غیر این صورت احتمالاً نیم میلیون نفر دیگر را صرف حمله به آن می کردند. سپس روسیه می تواند از دونباس به عنوان بستری برای از سرگیری تهاجم استفاده کند.»



ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، در برابر فشار برای واگذاری دونباس مقاومت می کند و می گوید هر گونه توافقی در مورد قلمرو به تضمین های امنیتی بستگی دارد که شامل مراکز نظامی اروپایی در اوکراین و از همه مهم تر، نقش حمایتی ایالات متحده می شود.

روسیه که هر گونه حضور نیروهای غربی را رد می کند، کاخ سفید را تحت فشار قرار می دهد تا اوکراین را از دونباس عقب براند و تأکید می کند که توافق در این مورد بین پوتین و ترامپ هنگام دیدارشان در آلاسکا در ماه اوت گذشته حاصل شده است. اما هر دو طرف همچنین نگرانند که اگر ترامپ از این بن بست عصبانی شود، ایالات متحده می تواند به آنها آسیب برساند. اوکراین هنوز به اطلاعات و سایر حمایت های ایالات متحده نیاز دارد. روسیه در برابر تحریم های شدیدتر آسیب پذیر است. بنابراین هر طرف مشتاق است به ترامپ نشان دهد که سازنده است و دشمن مقصر ادامه جنگ است.

اوکراین اول تسلیم می شود

وال استریت ژورنال می نویسد، این لزوماً به معنای ادامه بن بست نیست. برای اوکراین، بزرگترین خطر این است که ارتش آن در نهایت خسته شود. سربازان آن سال هاست که بدون استراحت می جنگند و سربازان جدید بی اشتیاق به طور فرایندهای از خدمت معاف می شوند. ارتش با بهبود مداوم قابلیت های پهبادی خود، کمبود پیاده نظام را جبران می کند، اما روسیه اخیراً در نبرد پهبادهای جبران کرده است. کارشناسان نظامی انتظار ندارند که الگوی نبرد فرسایشی امسال تغییر کند. حملات تقریباً مداوم روسیه در دونباس از اواخر سال ۲۰۲۲ یکی از کندترین و پرهزینه ترین پیشرفت ها در تاریخ نظامی بوده است. آسمانی پر از پهباد، مانورهای گسترده را تقریباً غیر ممکن کرده است. رسانه آمریکایی می نویسد، اگر استقامت اوکراین تمام شود، ممکن است مجبور شود عملهای را بپذیرد که هضم آن سخت است اما از جایگزین آن بهتر است. این می تواند شامل برآورده کردن خواسته های مسکو در مورد قلمرو، محدود کردن ارتش اوکراین و بازگرداندن نفوذ روسیه بر زندگی در این کشور، تنها با ضمانت های امنیتی ضعیف ایالات متحده باشد.

روسیه خسته می شود

وال استریت ژورنال معتقد است که اقتصاد روسیه در حال «رکود» است، بسیاری از صنایع غیر نظامی در حال کوچک شدن هستند و نرخ بهره بالا آسیب دیده است. قیمت پایین نفت، حملات دو برابر اوکراین علیه پایگاه ها و اقدام ایالات متحده و اروپا علیه ناوگان نفتکش های سایه روسیه، بخش انرژی را که در آمد کل ملین به آن وابسته است، تحت فشار قرار می دهد.

روزنامه وال استریت ژورنال می نویسد: «با این حال، روسیه نمی تواند جنگ خود را به طور نامحدود ادامه دهد. تحریم ها و اجرای شدیدتری می تواند این بازه زمانی را کوتاه تر کند، اگر روسیه یا هر دو طرف محاسبه کنند که دیگر نمی توانند زیاد ادامه دهند، مذاکرات می تواند به جستجوی جدی تری برای توافقی تبدیل شود که حداقل برای اوکراین و روسیه قابل قبول باشد. اکثر اوکراینی ها باور ندارند که روسیه به آن مرحله رسیده باشد، زیرا پوتین شرط می بندد که می تواند برنده شود.»